



دانشگاه تبریز

دانشکده حقوق و علوم اجتماعی

گروه تاریخ

پیشنهاد طرح پژوهشی پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته‌ی تاریخ گرایش عمومی جهان

عنوان

بررسی پایداری اجتماعی جدایی سرزمین قفقاز از ایران (۱۳۲۸ق-۱۳۱۳ق)

استاد راهنما

دکتر عباس قدیمی قیداری

استاد مشاور

دکتر محمد سلامی زاده

پژوهشگر

سیمین ستایش

بهمن ۹۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم بہ

آنان کہ مہر آسمانی شان آراش بخش آلام زینبی ام است

بہ استوارترین تکیہ کاہم

دستان پر مہر پدرم

بہ سبزترین نگاہ زندگیم

چشمان پاک مادرم

و

آنان کہ آفتاب مہر شان در آستانہ قلم پر جاست

برادرم و خواہراہم

## تقدیر و سپاس

### پروردگارا

مرا به علم تو انگر ساز، به حلم زینت بخش، به تقوا عزیز کن و به عافیت زیبایی ده تا مخط ای از پاسکزاری ات چشم نوشتم و نیز پاسکزار کسانی باشم که سر آغاز تولد من هستند. استادی که سپیدی را بر تخته سیاه زندگیم کاشت و دو شمع فروزان زندگیم، پدر و مادری که تاری مویی از آن پایه پای من سیاه نماند.

بر خود لازم می دانم از استاد بزرگوارم، آن فریخته‌ی فرزانه دکتر عباس قیدی که در کمال سعه صدر، با حسن خلق از هیچ کلمی در این عرصه بر من دریغ نمودند و زحمت را بهمنی این پایمان نامه را بر عهده گرفتند، از استاد دلسوزم دکتر محمد سلماسی زاده که زحمت مشاهده پایمان نامه را در حالی منتقل کردند که بدون مساعدت ایشان این کار به نتیجه مطلوب نمی رسید، همچنین از دکتر رضا دهقانی که زحمت بازخوانی و داوری پایمان نامه را بر عهده گرفتند نهایت تشکر و سپاس را بجای آورم و در نهایت از مدیریت محترم کرسی گروه تاریخ دکتر ناصر صدقی و سایر اساتید بزرگوار پاسکزاری می نمایم.

در پایان از تمام دوستان و همکلاسی هایم که همیشه در تمام محظلات در کنارم بودند به خصوص از مساعدت های بی شائبه بی خانم مهندس مونا شعاعی و مین ستایش پاس ویره بجای می آورم.

سیمین ستایش

|  |                                    |
|--|------------------------------------|
| نام: سیمین   | نام خانوادگی: ستایش                |
| عنوان پایان نامه: بررسی پیامدهای اجتماعی جدایی سرزمین‌های قفقاز از ایران (۱۲۲۸ق - ۱۳۱۳ق)   |                                    |
| استاد راهنما: دکتر عباس قدیمی قیداری   | استاد مشاور: دکتر محمد سلماسی زاده |
| مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد   | رشته: تاریخ                        |
| دانشگاه: تبریز   | فارغ التحصیل: بهمن ۹۲              |
| تعداد صفحه: ۱۹۹  |                                    |
| کلید واژه: ایران، قاجاریه، روسیه، قفقاز، معاهده‌های گلستان و ترکمانچای، واکنش‌های اجتماعی و سیاسی  |                                    |
| چکیده:   |                                    |
| <p>سرزمین کهن و پهناور قفقاز واقع در شمال و شمال غرب ایران، در طول تاریخ پرفراز و نشیب خود به لحاظ فرهنگی، دینی، قومی و زبانی همچنین ثروت طبیعی و قابلیت ارتباطی از حیاتی متنوع و غنی برخوردار بوده است. در سایه نگاه استراتژیک، این مکان در گذر زمان همواره محل کشمکش‌ها و جنگ‌های متعدد بین ایران و سایر ممالک قدرتمند در ادوار مختلف معرفی شده است. قفقاز برپایه‌ی آثار تاریخی و جغرافیایی تا قرن نوزدهم همواره بخشی از ایران و تحت نفوذ تمدن ایرانی بوده است. در قرن نوزدهم به هنگامی که قاجارها نخستین سال‌های سلطنت خویش را تجربه می‌کردند، رقابت‌های استعماری روسیه و سایر دول نظیر بریتانیا سبب شد تا ایران در نبردی نابرابر از سرزمین‌های خود صرف نظر کند. روسیه در پی دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی و همچنین توسعه تجارت و رقابت با غرب، نبرد طولانی با ایران به راه انداخت و سرانجام بر طبق عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای سرزمین قفقاز از ایران جدا و به روسیه واگذار گردید.</p> <p>بی‌شک روابط تاریخی و فرهنگی ایران و منطقه قفقاز در طول هزاران سال به خصوص مشترکاتی که از لحاظ نژادی و زبانی و گرایش‌های مذهبی داشتند، این جدایی را به راحتی ممکن نمی‌ساخت. از این رو جنگ‌های روسیه تزاری علیه ایران در دوره فتحعلی شاه قاجار بیش از حوادث دیگر جامعه، مردمان دو سوی ارس را به چالش کشاند. نارضایتی‌های سیاسی، روانی و اجتماعی ساکنان این سامان که ناشی از استقرار حاکمیت رژیم تزاری روسیه و جدایی از خاک ایران می‌شد،</p> |                                    |

پیامدهای گسترده اجتماعی که به معنای فراگیر، آن را می‌توان شامل عرصه‌هایی چون فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دانست، را در قفقاز و ایران به وجود آورد.

## فهرست مطالب

مقدمه..... ۱

### فصل اول: کلیات پژوهش

۱.۱ تعریف و تحدید موضوع..... ۵

۱.۲ بیان مساله ..... ۵

۱.۳ سوالات پژوهش..... ۶

۱.۴ اهداف پژوهش ..... ۷

۱.۵ مواد و روش‌ها..... ۷

۱.۶ پیشینه پژوهش..... ۸

۱.۷ بررسی منابع..... ۱۱

### فصل دوم: زمینه‌های آغاز جنگ‌های روسیه با ایران

۲.۱ جغرافیای سرزمینی قفقاز..... ۲۵

۲.۲ ساختار اجتماعی، اقتصادی و آرایش سیاسی قفقاز در آستانه جدایی..... ۲۷

۲.۲.۱ حیات خانان قفقاز..... ۲۸

۲.۲.۲ گرجستان در مسیر استقلال و امنیت پایدار..... ۳۶

۲.۲.۳ ارتباط ارمنه با روسیه..... ۳۸

۲.۳ ایران، تلاش برای حفظ تمامیت ارضی..... ۴۱

۲.۴ روسیه در راه ورود به قفقاز..... ۴۴

۲.۵ فرانسه و انگلیس..... ۴۷

۲.۶ جنگ..... ۵۲

## فصل سوم: بازتاب‌های فرهنگی جدایی قفقاز از ایران

- ۳.۱ پیدایش ادبیات ضد اشغالگری.....۶۱
- ۳.۱.۱ روایت منظوم جنگ‌های ایران و روس .....۶۳
- ۳.۱.۲ حیات ادبی ایران در پیوند با ادبیات قفقازی و زبان روسی.....۷۸
- ۳.۱.۳ آفرینش‌های حماسی و داستانی ادبیات.....۸۸
- ۳.۲ آغازین راه تجددخواهی .....۹۶
- ۳.۳ گفتمان تحولات فرهنگی قفقاز و راه‌یابی آن به ایران.....۹۹
- ۳.۳.۱ روزنامه‌های قفقاز در ارتباط با ایران.....۱۰۶

## فصل چهارم: پیامدهای اقتصادی جدایی قفقاز از ایران

- ۴.۱ پیامدهای اقتصادی نزاع بر سر قفقاز.....۱۱۱
- ۴.۱.۱ وابستگی اقتصادی پیامد دیرپای جنگ‌های روس با ایران.....۱۱۵
- ۴.۱.۲ ایران و رقابت بریتانیا و روسیه.....۱۱۷
- ۴.۱.۳ توسعه تجارت خارجی و چالش‌های فرا روی آن.....۱۲۳
- ۴.۲ اوضاع اقتصادی قفقاز در قرن نوزدهم و روابط آن با ایران .....۱۲۸
- ۴.۲.۱ صنعت نفت و شکل‌گیری پدیده‌ای به نام کارگران مهاجر.....۱۳۰
- ۴.۲.۲ حمل و نقل.....۱۳۳
- ۴.۲.۳ تجارت و کشاورزی.....۱۳۶

## فصل پنجم پیامدهای سیاسی و دینی جدایی سرزمین‌های قفقاز

- ۵.۱ قفقاز و استراتژی روسی‌سازی تزارها.....۱۴۲
- ۵.۱.۱ تغییر تدریجی سیستم‌های حکومتی در نواحی شمالی.....۱۴۲
- ۵.۱.۲ از بین رفتن سرحدات طبیعی آذربایجان.....۱۴۶



- ۵.۱.۳ تغییر ترکیب جمعیتی قفقاز و افزایش تضادهای قومی.....۱۴۸
- ۵.۱.۴ تحریف تاریخ، آسیبی بر روابط تاریخی ایران و قفقاز.....۱۵۱
- ۵.۱.۵ ظهور طبقه روشنفکران و رشد آگاهی‌های ناسیونالیستی.....۱۵۲
- ۵.۲ ایران و نتایج سیاسی سال‌های جنگ.....۱۵۴
- ۵.۳ مبارزات دینی و سیاسی مردمان قفقاز.....۱۵۷
- ۵.۳.۱ منصور و پیدایش روحیه جهادی.....۱۵۸
- ۵.۳.۲ امام غازی محمد و ادامه نهضت مریدیسم.....۱۶۱
- ۵.۳.۳ شاملیل و بزرگترین جنبش ملی و مذهبی قفقاز.....۱۶۲

#### نتیجه‌گیری

نتیجه.....۱۶۷

#### منابع و ماخذ

منابع و ماخذ.....۱۷۰

مقدمہ

نگرش حاکم بر فضای کلی دربار تزارها از زمانه پترکبیر، مبتنی بر تقلید آگاهانه از توسعه طلبی غرب بود. این نگرش از دوره زمامداری کاترین کبیر و جانشینان وی با برنامه‌های نظامی و دیپلماتیک، نقاط قابل توجهی از نقشه دو قاره اروپا و آسیا را برهم زد و آتش منازعات بسیاری را برافروخت. روشنفکران و سیاستمداران دربار تزارها به دنبال رفع نیازهای جدید کشور و رقابت با صاحبان قدرت و اراضی استعماری در غرب همچون بریتانیا بودند که ساکنان سرزمین‌های مرزی ایران در قفقاز را محکوم به گرفتاری در رقابت‌های چند جانبه روسیه، عثمانی، ایران، فرانسه و انگلستان کردند. دخالت مداوم روسیه در امور این منطقه که با برنامه‌های کاترین و جانشینانش روندی نظامی یافته بود، ایران را مجبور به تلاشی وافر برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی خویش در مقابل نیروی قدرتمندی چون روسیه نمود. مصیبت بزرگتر دربار فتحعلی شاه زمانی فزونی یافت که انگلستان و فرانسه کوشیدند تا با بازیچه قرار دادن تهران، در حاصل این جنگ‌ها به نفع خویش تاثیرگذار باشند. سرانجام عملکرد تصمیم گیرندگان سن پترزبورگ و تهران در جنگ‌های معروف روسیه با ایران خلاصه شد که با دخالت زیرکانه کارگزاران انگلیس به معاهده‌های گلستان و ترکمانچای طی جنگ‌های (۱۸۱۳-۱۸۰۳/۱۲۲۸-۱۲۱۸) و (۱۸۲۸-۱۸۲۶/۱۲۴۳-۱۲۴۱) و جدایی کامل قفقاز منجر شد.

زمانی که قدرت‌های معظم اروپایی در اواخر قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم/ قرن سیزدهم قمری به ایران ابراز علاقه کردند، بحران‌های متعددی در وضع موجود این کشور و مرزهای آن در قفقاز پدیدار گشت. جنگ‌های چندین ساله مرزی ایران و روسیه تزاری بی‌شک از مهم‌ترین ادوار تاریخ ایران و قفقاز به شمار می‌آید. داستان جدایی قفقاز از ایران، از یک سوی پیوندهای تمدنی مردمان کناره‌های ارس را نشان می‌داد و از سوی دیگر روایت‌گر پیامدهای ناشی از جدایی شهرهای آن سامان از ایران و حضور روسیه در راس حاکمیت قفقاز بود. همچنان که این داستان بازیابی موضع‌گیری و واکنش نواحی مختلف قفقاز و ایران نسبت به این مرزبندی‌های جدید نیز تلقی می‌شود. موضع‌گیری‌هایی که نهضت‌های دینی و سیاسی متعددی را در برابر اشغال روسیه به بار آورد

و جانی تازه بر کالبد وطن پرستی مردمان شکست خورده دمید. به طوری که هرگز اصالت‌های مردمان این دیار و پیوندهای فرهنگی آن با ایران قطع نشد. اوج این واقعیت را در انقلاب مشروطه می‌توان یافت که طرحی دیگر از این پیوندها و روایتی از ادامه روابط تاریخی مردمان دو منطقه پس از حدود یک قرن جدایی مرزی بود.

افزون بر چندین دهه از تحقیقات نوین در این راستا می‌گذرد. طی این دوران دانشمندانی چند در شرق و غرب جهان، آثاری خرد و کلان در این باره پدید آورده و زوایای مختلف پیامدهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ورود قفقاز به مرزهای امپراتوری روسیه را محل دقت و تامل قرار داده‌اند. پایان‌نامه حاضر حکایتی دیگر از همین مقوله است. روایتی که به اقتضای میزان اسناد و منابع قابل دسترس و به رغم وسعت موضوع، تلاش برای نشان دادن رخداد‌های ثبت شده در حافظه تاریخی جامعه ایران و قفقاز را دارد. پیداست که برای چنین کاری نخست باید زمینه‌های جنگ‌های روس با ایران را شناخت. از این رو پس از فصل نخست که کلیات این پژوهش را شامل می‌شود، فصل دوم به بررسی نقش جغرافیایی این سرزمین و بازیگران بزرگ و کوچک حاضر در این پیکارها اختصاص یافته است. پس از آن تاریخ تحولات فرهنگی این سرزمین در دوران استیلای روس مورد بررسی قرار گرفته است. فصل چهارم از آنچه که مردم دو سوی ارس از تغییرات اقتصادی پذیرای آن بودند، سخن گفته است. در فصل آخر نگاهی اجمالی به تاثیر آموزه‌های دینی و باورهای ملی جامعه جنگ زده از حضور روسیه در نهضت‌های ضد روسی، همچنین به اصلاحات سیاسی و اداری حاصل عملکرد حاکمیت تزارها و به آنچه که ایران از حضور روسیه ناچار به پذیرش آن بود، انداخته شده است. فصول این پایان‌نامه، با چهارچوب خاص خود سعی بر آن دارد، که با تکیه بیشتر بر حوزه‌هایی چون آذربایجان پیامدهای جدایی سرزمین قفقاز را تا آنجا که وسعت دانش نویسنده یاری می‌کند به صورت نظام‌مند به نگارش درآورد. ضمن اینکه در خلال این روایت، بازگو کننده این واقعیت باشد که جدایی جغرافیایی و سیاسی قفقاز نتوانست گسستی در پیوندهای فرهنگی حداقل بخش‌های از آن چون جمهوری آذربایجان کنونی به وجود آورد و روابط مردمان دو منطقه به سیاق گذشته بافت و

خیزهایی چند ادامه یافت.

در عین حال بیان این نکته خالی از اهمیت نیست که از مهم‌ترین مشکلات این پایان نامه که زمان زیادی بر آن مصروف شد گردآوری داده‌ها، محدودیت منابع تاریخی و اسناد قابل دسترس راجع به تاریخ قفقاز بود. به طوری که مراجعه مکرر پژوهشگر را به بسیاری از مراکز چون مرکز اسناد شمالغرب کشور و مراکز قفقاز شناسی و برخی افراد مطلع را بی‌جواب گذاشت. همچنین غلبه شیوه تاریخ‌نگاری درباری و دید سیاسی حاکم بر منابع دسته اول فارسی و آرای مشترک نویسندگان روسی دوره تزاری با سیاست‌های توسعه‌طلبی سیاستمداران امپراتوری و غلبه تعصبات بی‌پایه و اساس بر آثار مورخان شوروی هر چند به صورت محدود از موانع دیگر بود. چرا که این خصیصه جانبدارانه در این منابع، این بررسی را در بازیابی واقعیت‌های تاریخی با مشکلی اساسی روبرو ساخته است.

برخود لازم می‌دانم از استاد بزرگوارم، دکتر عباس قدیمی که در کمال سعه صدر، با حسن خلق از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ نمودند و زحمت راهنمایی این پایان‌نامه را بر عهده گرفتند، از استاد دلسوزم دکتر محمد سلماسی‌زاده که زحمت مشاوره پایان‌نامه را متقبل شدند، همچنین از دکتر رضا دهقانی که زحمت بازخوانی و داوری پایان‌نامه را برعهده گرفتند تشکر و سپاس را بجای آورم و در نهایت از مدیریت محترم کرسی گروه تاریخ دکتر ناصر صدقی و سایر اساتید بزرگوارم سپاسگزاری نمایم. از دوست گرامیم خانم مهندس مونا شعاعی که در جمع آوری منابع خارجی و داخلی مرا همراهی نموده‌اند و از کارکنان کتابخانه‌های دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشکده ادبیات، کتابخانه مرکزی دانشگاه تبریز، تربیت و کتابخانه مرکزی تبریز سپاس فراوان دارم.

# فصل اول

کلیات پژوهش

## فصل اول

### ۱.۱ تعریف و تحدید موضوع

موضوع این پایان‌نامه پیامدهای اجتماعی جدایی سرزمین‌های قفقاز از ایران در فاصله سال‌های ۱۲۲۸ قمری تا سال ۱۳۱۳ قمری است. در ذیل پیامدهای اجتماعی، فرهنگ، اقتصاد و سیاست نیز مد نظر قرار گرفته شده است. این موضوع در واقع بازتاب‌های جدایی قفقاز از ایران را در حیطة جامعه، اقتصاد، سیاست و فرهنگ را در قرن نوزدهم میلادی مورد بررسی قرار می‌دهد. در ضمن آن به دخالت‌های دول خارجی سیاست روس‌ها و دولت قاجار و نیز روابط بین مردمان آن سو و این سوی قفقاز اشاره رفته است.

### ۱.۲ بیان مساله

بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که قفقاز، نامی کهن در آن سوی رود ارس با تاریخ دیرپای خود و با عناوینی چون موزائیک اقوام و کوه زبان‌ها دارای پیوندهای تاریخی، فرهنگی و مذهبی ناگسستنی با ایران زمین می‌باشد. جنگ‌های روس با ایران در دو مقطع زمانی (۱۲۲۸-۱۲۱۸ق/۱۸۱۳-۱۸۰۳م) - (۱۲۴۳-۱۲۴۱ق/۱۸۲۸-۱۸۲۶م) و اشغال بخش‌های مهمی از قفقاز که از نظر سیاسی، اجتماعی و تمدنی حادثه مهمی در تاریخ معاصر ایران است، نتایج گسترده‌ای در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی به دنبال آورد.

بی‌شک پیوندها و اشتراکات تاریخی، فرهنگی و دینی ساکنان این دیار با ایران مسئله‌ای نبود که به راحتی و با جدایی سیاسی از سرزمین مادر و تغییر در مرزهای جغرافیایی به آن خدشه‌ای وارد شود. در واقع این انفصال، گسستی در سرنوشت مردمی با تاریخ، هویت و فرهنگ مشترک بود. همین امر سبب شد که نه تنها جامعه‌ی ایران بلکه در شهرهای جدا شده نیز به واکنش در برابر این انفصال بپردازند. مردم بسیاری از مناطق قفقاز در دوران پس از جدایی خود از ایران با عدم پذیرش ساختارهای جدید ناشی از استقرار حاکمیت روس‌ها و برای حفظ آزادی و موقعیت از دست رفته خود به مقاومت‌ها و جنبش‌هایی دست زدند. در واقع این اعتراضات که مهم‌ترین تجلی آن در قیام‌های

مذهبی بود، واکنشی از طرف طوایف و اقوام قفقاز نسبت به حضور روسیه به شمار می‌رفت از طرفی روسیه تزاری و بعدها حکومت‌های کمونیستی تلاش بسیار کردند تا با سرکوب این نهضت‌ها، جعل هویت، تاریخ، زبان و همچنین تحریف واقعیت‌های مربوط به تعلقات و پیوستگی منطقه به ایران، پیوندهای تاریخی و احیانا بسترهای بازگشت سرزمین‌های از دست رفته در قراردادهای گلستان و ترکمانچای، به ایران را از بین ببرند.

حقایق تاریخی که تعلق فرهنگی دست کم بخش‌هایی از قفقاز به ویژه حوزه‌هایی چون جمهوری آذربایجان و ایروان را به ایران نشان می‌دهد، می‌تواند بازگوکننده چگونگی رویارویی مردم دو طرف رود ارس با این مرزبندی جدید باشد اما منابع ما همیشه روایت‌گر جدایی جغرافیایی و سیاسی قفقاز از پیکره ایران شدند و نه تنها نویسندگان آن عصر بلکه متفکران ادوار بعدی در آثار خود کمتر به بازتاب اجتماعی و اقتصادی آن در بین مردم پرداخته‌اند. بنابراین نیاز است که از روی اسناد و منابع اصیل بازمانده از این دوره خاطرات تاریخی از دست رفتن بخش‌هایی از سرزمین ایران، برای نسل جدید بازشناسی شود و دیدگاه‌های متضاد و متعارض در فرآیند یک بررسی علمی و بی‌طرفانه ارزیابی گردند و در ضمن آن واکنش و نحوه موضع‌گیری‌های مردمی به این مرزبندی‌های جدید در نواحی مختلف بازگو گردد. این بازشناسی خاطرات جمعی، البته قضاوت تاریخی ما را هم تا حدودی شفاف‌تر می‌کند.

### ۱.۳ سوالات پژوهش

۱- آیا جدایی سیاسی و جغرافیایی قفقاز از ایران سبب شد که بین ایران و مردم قفقاز گسست فرهنگی به وجود آید یا پیوند فرهنگی آنان با ایران ادامه یافت؟

۲- آیا واکنش مردم دو سوی رود ارس به این مرزبندی‌های جدید یکسان بود یا در مناطق مختلف تفاوت داشت؟

۳- موضع‌گیری و واکنش‌های مردمی در ایران و شمال ارس (حوزه‌هایی چون جمهوری آذربایجان و ایروان) در جنگ‌های روسیه با ایران و نیز نسبت به جدایی قفقاز از ایران چگونه بوده و تجلی عینی و



ذهنی آن چه بود؟

۴- پیامدهای جدایی قفقاز از ایران در ساختارهای اجتماعی چون فرهنگ، اقتصاد و سیاست چه بوده است؟

#### ۱.۴ اهداف پژوهش

بر اساس مطالعات و شواهد تاریخی، قفقاز در طول تاریخ پرفراز و نشیب خود تاکنون همواره مورد نزاع و رقابت بین قدرت‌های زمان بوده و هست. جای تردیدی وجود ندارد که این موقعیت استراتژیک منطقه ما را به کاوش در بنیان‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن، که روزگاری جزئی از خاک ایران بود، نیازمند می‌کند به خصوص اینکه حکومت‌های حاکم بر قفقاز پس از جدایی سعی بر این داشتند که با بازنمایی تاریخ جنگ‌های ایران و روس به نفع خود روابط فرهنگی عمیق بین دو منطقه، یعنی تنها عنصری که حافظ دوام پیوندهای قفقاز با ایران حتی پس از جدایی بود را از بین ببرند. بنابراین امید این است که در پرتو اسناد و مدارک بازمانده از روایان آن عصر و آثار گران‌سنگی که از نویسندگان و شاعران ادوار بعدی به یادگار مانده بتوانیم به دیدی درست و به دور از غرض‌ورزی‌ها در مورد بازتاب مردمی و پیامدهای اجتماعی این جدایی در عرصه‌های چون فرهنگ، سیاست و اقتصاد بپردازیم.

#### ۱.۵ مواد و روش‌ها (روش تحقیق)

روش تحقیق مناسب برای پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی خواهد بود. ضمن اینکه تکنیک تحلیل داده‌ها بر مبنای روش تحلیل محتوا به ویژه در تحلیل نوشته‌های منظوم و منشور می‌باشد. شیوه گردآوری اطلاعات با توجه به ماهیت موضوعات تاریخی جنبه کتابخانه‌ای دارد که با رجوع به منابع کتابخانه‌ای و الکترونیکی به دست آمده است. مستندات مورد استفاده این پژوهش شامل دو دسته است: ۱. منابع اصلی و دسته اول، مانند کتاب‌هایی که توسط نویسندگان همزمان و یا نزدیک به این دوره نوشته شده است، که خود شامل متون اصلی تاریخ‌نگاری، سفرنامه‌ها و متون ادبی می‌شود. ۲. دسته دوم مستندات شامل تحقیقات و پژوهش‌های مرتبط با موضوع مورد مطالعه حاضر

است مانند: تحقیقات نظری و پژوهش‌های تاریخی.

### ۱.۶ پیشینه پژوهش

با سیری در آثار تحقیقی می‌توان منابع قابل توجه و معتبری که به صورت گذرا و توصیفی و یا به صورت تحلیلی و پرمایه، با زاویه دید متمایز و خاص خود جنبه‌های مختلف هجوم روسیه به سوی قفقاز را مورد بررسی و کاوش قرار داده‌اند، معرفی کرد. صرف نظر از ارزش و جایگاه آنها و میزان تلاشی که در روشنگری ابعاد مختلف این واقعه مهم داشتند، باید اذعان داشت که این متون تحقیقی برای بیان آنچه که به عنوان آثار و نتایج این رخداد مهم تاریخی در جامعه ایرانی و نواحی جدا شده برجای گذاشت، منسجم و کامل نیستند. در واقع گوشه‌هایی مبهم که نیاز به بررسی از سوی محققان دارد، هنوز راه پژوهش در این حیطة را باز گذاشته است.

### روابط ایران و روسیه از ۱۸۲۸-۱۷۸۰

کتاب «روابط ایران و روس» که به قلم موریل اتکین به رشته تحریر درآمده است را باید پژوهشی ارزنده در حوزه ریشه‌های آغاز مقابله روسیه و ایران در تاریخ سیاسی دوره قاجار دانست. اثر مذکور با ترجمه محسن خادم در سال ۱۳۸۲ توسط مرکز نشر دانشگاه تهران به چاپ رسید تا تالیفی حایز اهمیت، دیدگاه‌های ضابطه‌مند را سرمشق آثار ایرانیان قرار دهد. به نظر می‌رسد که نویسنده در این کتاب، با کمترین غرض ورزی به تحلیل و ریشه‌یابی اندیشه‌ها و اهداف روسیه در تلاش بر گسترش مرزهای خود در قفقاز و انگیزه‌های ایران در جدال خود برای جلوگیری از استیلای روسیه بر منطقه، همچنین ماهیت ساختارهای حاکم بر نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قفقاز در این برهه زمانی و مطالبی از این دست پرداخته است. هرچند مطالب کتاب در این زمینه بسیار ارزنده می‌باشد، ولی مولف آن کمتر به پیامدهای نزاع بر سر قفقاز توجه کرده است. به بیانی روشن‌تر این کتاب همان طور که از نام‌گذاری آن آشکار است به رخدادهای تاریخی منطقه و سیاست‌های مقامات تزاری پس از استیلای خود بر این سرزمین و تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی که این مردمان پس از جدایی از پیکره سیاسی \_ جغرافیای ایران پذیرای آن بودند، کمتر توجه داشته است.

## فصل‌های تاریکی (جنگ‌های روس و ایران در شعر فارسی)

باید گفت که متون ادبی در کنار سایر منابع، قابلیت معرفی بازتاب‌های مردمی جدایی قفقاز را دارا می‌باشند، چرا که ادبیات آینه تفکر و روح حاکم بر جامعه و پرچم دار احساس و تخیل یک ملت است و می‌توان از دریچه مضامین منظوم و منثور عصر، تاثیری که تحولات اجتماعی و سیاسی بر نهاد مردمی می‌گذارد را بازیافت. کتاب «فصل‌های تاریکی» نوشته محمد طاهری خسروشاهی یکی از منابع تحقیقی در این راستا می‌باشد که تجلی جنگ‌های ایران و روس در شعر فارسی را به تصویر کشیده است و در نوع خود موضوعی ابتکاری و در شمار اولین‌هاست. طاهری خسروشاهی در فصول کتاب خود با دسته‌بندی از ادبیات این عصر مطالبی ارزنده از ناگفته‌های متون ادب فارسی و از شعر شاعرانی چون قائم مقام، فتحعلی‌خان صبا، نشاط اصفهانی و خاوری شیرازی در اختیار رهروان پژوهش قرار می‌دهد و در بخش پایانی کتاب نیز گذری بر بازخورد اشغال سرزمین‌های قفقازی در شعر ترکی آذری و عربی دارد و از این منظر کتاب حاضر دارای ارزش اجتماعی درخور توجهی است. البته در حوزه موضوع مورد نظر، سهم این اثر بیشتر در واکاوی آرمان‌ها و نگرش‌های یک ایرانی به حضور روسیه در قفقاز است و تجلی آن در ادبیات اقوام قفقازی نیاز به استفاده از مراجع دیگر را می‌طلبد.

### سیاست نظامی روسیه در ایران از ۱۸۱۵-۱۷۹۰

این تالیف که با قلم خانک عشقی بر گنجینه گران‌بهای آثار تاریخی ایران افزوده شده است، یکی از پژوهش‌های قابل توجه در روشن ساختن زوایای مبهم و تاریک جدال مرزی چندین ساله ایران و روسیه تزاری به شمار می‌آید. کوشش نگارنده در نشان دادن علل برخوردها و سبب پیدایش حادثه‌ها، ریشه عداوت‌ها و تغییر سیاست‌ها و بالاخره تحلیل مسائل و عوامل آغازین جنگ قابل تقدیر است ولی تلاش نویسنده که تا حدودی با دیدی مارکسیستی جامعه قفقازی را تفسیر کرده است، بیشتر معطوف به محدوده معینی از زمان (۱۷۹۰-۱۸۱۵) یعنی بیست و پنج سال کشمکش‌های سیاسی و حملات تهاجمی و تدافعی دو طرف بوده است تا به حوادث پس از معاهده ترکمانچای و

استقرار کامل روسیه در قفقاز.

### قره‌باغ‌نامه از ادوار کهن تا دوره معاصر

این مجموعه یکی از پژوهش‌های منسجم در خصوص تاریخ قره‌باغ است که با قلم پرویز زارع شاهرسی با نام «قره‌باغ‌نامه از ادوار کهن تا دوره معاصر» توسط نشر شیرازه در سال ۱۳۸۹ انتشار یافت. این منبع تحقیقاتی همان‌گونه که نویسنده یادآور می‌شود، هدف خود را بر ارائه‌ی پژوهشی منسجم و کامل در رابطه با تاریخ قره‌باغ که یکی از تاثیرگذارترین مناطق در تاریخ قفقاز بوده است، قرار داده است. این کتاب با توجه به منابع و مدارک موثق و مهمی که محل رجوع نویسنده آن قرار گرفته است، می‌تواند در روشن نمودن روابط تاریخی ایران با بخشی از قفقاز یعنی منطقه قره‌باغ مفید واقع شود. اما آشنایی با سیر تاریخی مناطق دیگر قفقاز و روابط تاریخی آن با ایران منابع دیگری را برای پژوهش حاضر می‌طلبد.

### تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر

این اثر که با قلم پژوهشگر گرانپایه تاریخ معاصر کشورمان سعید نفیسی در دو جلد به زیور طبع آراسته شده است، از منابع تحقیقاتی ناب و ارزشمند در تاریخ قاجاریه از آغاز سلطنت تا سرانجام فتحعلی شاه می‌باشد. همان‌گونه که از عنوان کتاب برمی‌آید و خود نویسنده در مقدمه آن متذکر شده است، هدف نخستین وی تالیف تاریخ قاجاریه و ریشه‌یابی حوادث و پدیده‌های مربوط به آن با دیدی تحلیلی و به شیوه نوین تاریخ‌نگاری و دوری از نگارش صرف تاریخ است. نفیسی با چنین دیدی در دو جلد این کتاب در پی بررسی آن است که نقش روسیه، فرانسه و انگلیس در تحولات ایران عصر فتحعلی شاه را با استناد به منابع اصیل بازگو کند در واقع این کتاب می‌تواند از حیث تاریخ روابط خارجی ایران در این دوره مورد اهمیت قرار گیرد. همان‌طور که سرچشمه‌ای شایسته برای رجوع تحلیل‌گران تاریخ ایران در نیمه اول قرن نوزدهم و حتی الگوی مناسب در شیوه بازگویی تاریخ ایران در ادوار دیگر است. این کتاب که می‌توان از سطور آن به پیامدهای اجتماعی و اقتصادی همسایگی ایران و روسیه پی‌برد، متأسفانه تا پایان کار فتحعلی شاه بوده و خواننده از پی‌گیری این